



نامه ای به ناهید ریاضی وی را در جریان اقدامات کشور دانمارک و ۲۵ کشور دیگر عضو اروپای مشترک در این رابطه قرار داد. در این نامه پییر س. مولر نوشته است که طبق اظهارات مقامات رژیم جمهوری اسلامی، آنها تصمیم در تجدید نظر در پرونده لیلا مافی دارند. فشار بین المللی در دفاع از لیلا مافی و اعتراضات سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر منجر به عقب نشینی جمهوری اسلامی شده است. اما نجات قطعی این دختر جوان از مرگ و آزادی او به ادامه اعتراضات به جمهوری

www.iran-tribune.com

ایران تریبون  
یک نشریه چپ اینترنتی با هدف جذب بیشترین خواننده  
مصاحبه با صلاح ایراندوست، محمود قزوینی و یوسف رسولی - بخش دوم



Socio-political and cultural journal in farsi



mahmood@iran-tribune.com

اجاره خانه هم دارند، دارند صاحب اینترنت می شوند. در خارج از کشور ۳ میلیون ایرانی زندگی میکنند که دستیابی به اینترنت دیگر مشکلی برایشان نیست. هدف ما این است که نشریه ای داشته باشیم که نیاز فکری و فرهنگی خیل وسیعی از انسانها را تامین کند میلیونها انسان برابری طلب و ضد مذهب، جوان مدرن و ضد کهنگی و جهالت، زنانی که حداقل حق خود را دارا بودن حقوق و آزادیهای زن در کشورهای اروپایی میدانند، کارگرانی که برای یک زندگی بهتر مبارزه میکنند و..... ظاهرا باید خواننده نشریه ما شوند. امروز انحصار سایت های اینترنتی پربیننده در دست نیروی راست جامعه

اما ما نقطه قوت هایی داریم که دیگران ندارند. سایت ما امیال و آرزوهای میلیونها انسان را بیان صفحه ۴

## جمهوری اسلامی عقب نشست پرونده لیلا مافی مورد تجدید نظر خواهد گرفت.

### وزیر امور خارجه دانمارک به ناهید ریاضی اطلاع داد

به دنبال درخواست ناهید ریاضی از دولت دانمارک برای گذاشتن فشار بر جمهوری اسلامی و ممانعت از اعدام لیلا مافی، روز ۶ ژانویه ۲۰۰۵ وزیر امور خارجه دانمارک طی

جمعه ها منتشر میشود



مطب کمنیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ دی ۱۳۸۳ - ۱۴ ژانویه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان



mozafar\_mohammadi@yahoo.com

## اعتصاب کارگران نساجی سنندج پیروزیها، نگرانیها و درسها

### گفتگوی رادیو پرتو با مظفر محمدی

رادیو پرتو: شما اعتصاب کارگران نساجی کردستان را موفق ارزیابی کردید. به نظر شما موفقیت کارگران نساجی کردستان در چه بود؟

مظفر محمدی: این موفقیت را میتوان از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داد. این اعتصاب برای اولین بار است که کارفرما را به عقب نشینی وادار میکنند. این بزرگترین تفاوت این اعتصاب با دوره های قبلی مبارزات کارگران نساجی است.

رادیو پرتو: اعتصاب چگونه شکل گرفت و بر سر چه بود؟  
مظفر محمدی: از حدود ۲۰ روز پیش کارفرما ۶ نفر از کارگران را اخراج کرد. کارگران کارخانه سریعا عکس العمل نشان داده و خواستار آن شدند که کارگران اخراجی بر سر کار خود برگردند و اخراجها بطور کامل متوقف شود و حقوق کامل کارگران را پرداخت کند و سایر حق و حقوق

بقیه در صفحه ۲



mostafa.assadpoor@telia.com

## دندان دارد گاز میگیرد - هنوز!

### مصطفی اسدپور

منظور من جمهوری اسلامی است. در طول هفته اخیر بینا داراب زند به زندان محکوم گردید. یکسال حبس گرفت و ۵۰ ضربه شلاق. این یک ضربه به جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی بود. داراب زند از جمله شرکت کنندگان در اعتراض و تحصن خانواده های زندانهای سیاسی در مقابل محل سازمان ملل در تهران بود. این اعتراض زمان خود توجه زیادی را برانگیخت. تعداد کثیری صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران را نیز به رسمیت بشناسد. از آن موقع کارگران به اعتصاب نشستند.

راديو پرتو: چطور شد که شيفتها يکي پس از ديگري به اعتصاب پيوستند؟

مظفر محمدی: نصف بيشتري کارگران اين کارخانه قراردادى و موقت هستند و خطر اخراج آنها را تهديد ميکند. از اين رو کارگران اين خطر را تشخيص داده و براي اينکه سدى در برابر اين تعرض ايجاد کنند يکپارچه به ميدان آمدند.

راديو پرتو: تجربه هاى قبلى کارگران چقدر در اين اعتصاب موثر بود؟

مظفر محمدی: کارگران نساجى کردستان پس از هر بار اخراج همکارانشان دست به اعتصاب زده اند. کارفرما هم با وعده وعيد هر بار آنها را بر سر کار برگردانده است. اين تجارب باعث شد که اينبار هم کارگران به اعتصاب متوسل شوند، منتهى مصمم تر و يکپارچه تر. اين بار کارگران هيچگونه وعده اى از جانب کارفرما را نپذيرفتند و او را باور نکردند.

راديو پرتو: تمهيدات کارفرما و ارگانهاى دولتى در برابر اعتصاب چه بود و کارگران چه موانعى را خنثى کردند؟

مظفر محمدی: در پروسه اعتصاب، نمايندگان کارگران با توطئه کارفرما و حاميان دولتى اش رو برو بودند. قبل از هر چيز مدير عامل نساجى با هياتى به سنجيدن آمد و عده اى از کارگران، که خانواده "جانباز" و بسيجى که گویا "خودى" هستند را جدا کردند، تا قانعشان کند از اعتصاب دست بکشند و در بين صفوف کارگران تفرقه ايجاد کنند. سپس نمايندگان کارگران تحت فشار پليسى قرار گرفتند، آقاى "شيث امانى" را به اتهام "عامل آشوب" به اطلاعات احضار کردند، و کارش را سياسى خواندند و خواستند اطلاعیه بدهد و کارگران را سر کار بفرستد. گویا اعتصاب کار يک نفر بوده که بقیه را تحريك کرده است. همين

موضوع را با خود کارگران مطرح کردند و از آنها خواستند بر سر کار برگردند و گفتند شما تحت فشار نماينده هايتان هستيد و بر گرديد سر کارهايتان. اما جوايى دندان شکن از کارگران گرفتند. علاوه بر اينها کارفرما اعلام کرد که کارخانه بسته ميشود و "شما ول معطل هستيد". به اين ترتيب ميخواست کل صورت مساله اعتصاب را عوض کند و کارگران را به چانه زنى برسر قيمت اخراج و بازخريد و غيره بکشاند. اين موجب تزلزل مرحله اى در ميان کارگران شد. اما خوشبختانه اين تهديدات مداوم با پايدارى خود کارگران و کاردانى نمايندگان آنان يکي پس از ديگري خنثى گرديد.

راديو پرتو: علاوه بر اين موانع، مشکلات اقتصادى هم بر سر راه کارگران وجود داشت. کارگران چگونه اين مشکل را حريف شدند؟

مظفر محمدی: ببينيد، وقتى کارگران در کشورهاى پيشرفته اعتصاب ميکنند خيالشان نسبتا راحتتر است که صندوق اعتصاب دارند و پول روزهاى اعتصاب را ميگيرند يا پس اندازى دارند...

اما کارگران نساجى هيچ چيزى نداشتند. نه پشتوانه مالى، نه صندوقى ... آنها فقط به جيب خودشان متكى بودند. اما خوشبختانه در ميان حدود ۴۰۰ کارگر نساجى سانسى بودند که پس اندازى داشتند. آنها همه را روى هم گذاشته و صرف نياز کارگران و خانواده هايشان کردند تا هيچ کارگرى تحت فشار احتياج به نان روزانه بچه هايش فشار برايش غير قابل تحمل نشود که مجبور به شکستن اعتصاب يا پيدا کردن کار ديگر شود. اين کار صرفنظر از جنبه مبارزاتى، جنبه انسانى بسيار قوى دارد که در سنت جنبش کارگرى هست. علاوه بر اين تلاشهاى خارج از کارگران براي حمايت مالى شد اما متاسفانه به موقع نرسيد و کارگران مجبر شدند با تکا به خودشان ايستادند.

رايو پرتو: بخاطر نان كسى متزلزل نشد. اما دلايل ديگري بود كه ميتوانست باعث شود ايهاماتى در ميان كارگران بوجود آيد. با اين وجود چگونه شد كه در اين ۱۴ روز كارگران با هم جلو آمدند؟

مظفر محمدی: همانطور که قبلا گفتيم کارگران تجربيات قبلى را داشتند. آنها از قبل شورايى داشتند به اسم "شورای اسلامى" که طی پروسه انتخابات و مجامع عمومى مکرر، به جيزديگري تبديل شد و آنها نمايندگان جديد انتخاب کردند. اين نماينده که انتخاب شده اند نماينده واقعى کارگران اند. اين نمايندگان فشارهاى رژيم را تحمل کردند و نترسيدند و شيوه هاى پيشرفته اى از سازمانبازي را نيز ارائه کردند.

مثلا هر روز صبح ساعتى را به اين امر اختصاص دادند که بنشينند و بررسى کنند که آن روز را چکار کنند و چه تاکتيک جديدى را اختيار نمايند. مساله نان بچه هايشان چه ميشود، جواب به پليس و فشار آنها بر نمايندگان کارگران را چگونه از سر بگذرانند، مذاکره چه ميشود، مساله حمايتها به کجا رسيد و از اين قبيل. و بعد پيش کارگراها ميروند و گزارش ميدهند. يک شيوه درست ديگر مبارزه اين بود که همه کارگران با هم تجمع نميکردند تا همه به يکباره خسته شوند و بلکه هر عده در همان شيفت کارى خود در سالن جمع ميشدند و به اعتصاب ادامه ميدادند و شيفت قبلى به خانه ميرفت تا دور بعد. اين هم يک کار هوشيارانه بود. تماس با مديا و تقاضاى حمايتها و از اين قبيل نمونه هاى ديگري از کاردانى و شيوه هاى مدرن و پيشرو کارگران و نمايندگانشان بود.

راديو پرتو: سر انجام رسانه ها به اين موضوع علاقه نشان دادند و مجالى داده شد تا اين اعتصاب و خواسته هايش شناخته شود. اين کار چگونه اتفاق افتاد؟

مظفر محمدی: اين روزها جامعه تشنه اين نوع تحريکها و عدالت خواهىها و حق خواهى هاست. وقتى بيش از

۴۰۰ کارگر در شهرى مانند سنجيدن اعتصاب ميکنند که با خانواده هايشان جمعا چند هزار نفراند، اين اتفاق ساده اى نيست، اتفاق بزرگى است. در حاليکه رژيم خودش را بسيج ميکند و کميسيون کار و کميسيون حل بحران تشکيل ميدهد، مديا و مطبوعات هم نميتوانند ساکت باشند. از سر منافع خودشان ساکت نمينشينند.

راديو پرتو: تا جايى که به پيروزى برميگرديد به نظر شما پيروزى کارگران در چه نکاتى بود. آيا آنها نتوانستند خواسته هاى معينى را تحميل کنند؟

مظفر محمدی: تا جايى که به توافقات بر ميگرديد نسبت به خواسته هاى اوليه کارگران خيلى کم است. خواسته هاى اوليه که مطرح شد عبارت بودند از لغو کامل کار قرار دادى، توقف اخراجها، برگشتن کارگران اخراجى به سر کار، يک وعده غذاى گرم، تايمين بهداشت و ايمنى محيط کار، مداواى مجانى کارگران بيمار، اجرائى طرح طبقه بندي مشاغل و از اين قبيل ... اما در جريان هر مبارزه اى بالاخره توازن قوا تعيين ميکند که زور مبارزه چقدر است و بالاخره خواست حد اکثر تايمين ميشود يا حد اقل. کارگران نساجى هم همين کار را کردند و پس از دو هفته کشمکش با توجه به توازن قوا به حداقل خواسته هايشان رضابت دادند. براي مثال کارگران ميدانستند که لغو کار قراردادى موقت زور بيشتري ميخواهد و نيروى سراسرى تری را ميطلبند.

اما اگر به نسبت ابعاد مسئله، فشارى که رژيم گذاشت و تعرضى که به صورت اخراجهاى پي در پي شروع کرده بود، توافقات و تعهدات کتبى گرفته شده از کارفرما مانند توقف اخراجها، تغيير قرارداد کار از ۳ به ۶ ماه و پاره اى توافقات ديگر نشان ميدهد که اعتصاب کارگران به بخشى از اهدافش رسيده است.

راديو پرتو: شما فکر ميکنيد کارگران بيشتري از اينها ميتوانستند حق و حقوقشان را از کارفرما و

دولت بگيرند؟ آيا با توجه به مصافى که کارگران با جمهورى اسلامى داشتند، فکر نميکنيد که اين خوشحالى مشروط يک نوع بى انصافى نسبت به نتيجه اعتصاب است؟

مظفر محمدی: کارگران نساجى تمام نيروى خود را گذاشتند و تجربه بسيار خوبى براي کارگران به ارمغان آوردند. حال چه کارهاى ديگري ميشد کرد يا نميشد به جاي خود. اما خارج از خود کارگران و در بيرون از سالن اعتصابشان کارهاى خيلى زياد ديگري ميتوانست بشود و امكان پذير بود. با اين نيروى که طبقه کارگر ايران دارد، با اين اوضاع سياسى و فضاى سياسى که در ايران هست، با اين وضع درهم برهم و وورشکستگى و بحرانهاى پي در پي که رژيم با آن روبرو است اگر اينها را روى هم بگذاريم ما نبايد از کارمان راضى باشيم. اين را من رو به کارگران نساجى کردستان نميگويم. بلکه منظورم کل نيروى است که ما داريم، کارگران و مردم، چپ جامعه و حزب ما.

من اعتصاب کارخانه نساجى کردستان را فقط در چهارديوارى آن کارخانه نگاه نميکنم. کارگران نساجى لياقت و کاردانى و فداكارىهاى خيلى زيادى از خود نشان دادند و الگوهائى از انساندوستى را نشان دادند. مسئله اين است که وقتى جايى کارگران اعتصاب ميکنند و مهمترين بخش مطالباتشان لغو کار قراردادى، يعنى يکى از خواسته هاى سراسرى طبقه کارگر ايران است، ميبايست يک همبستگى وسيعتر کارگرى بوجود بياوريم. اگر در جاهاى ديگراعتصاى صورت ميگرفت و حتى اگر بخاطر همين خواست که کارگران سالهاست برايش مبارزه ميکنند، ۱ ساعت کار ميخواييد ما چند گام به جلو برداشته بوديم.

تازه ابعاد مساله فراتر از اين هم ميتوانست باشد. علاوه بر کارگران، اگر از جانب دانشجويان، زنان، مردم آزادبخواه و کل جريانات چپ و سوسياليست و کمونيست

به حزب کمونيست کارگرى ايران - حکمتيست پيوندید!

دخالت موثری میشد دستاوردهای این اعتصاب خیلی بیشتر میشد. یا حد اقل دستاورد این اعتصاب که خیلی دلخوش کننده تر بود این میشد که آن ۶ کارگر اخراجی بر سر کار برگشتند. اگر آنها بر سر کار بر میگشتند موفقیت بزرگتری برای کارگران و همه ما بود. لغو کار قرار دادی، کار یک کارخانه در یک گوشه این مملکت نیست، یک مبارزه سراسری کارگران است.

راديو پرتو: شما فکر نميکنيد که مطرح کردن اينکه کارگران ميتوانستند به چه چيزهائي دسترسي پيدا کنند زودرس است و بايد در مراحل بعدي به آن پرداخت، بطوريکه شادي دستاوردهاي موجود را تحت تاثير قرار ندهد؟

مظفر محمدي: مساله اصلي اين نيست که کارگران کم بدست آورده اند. زور اين اعتصاب تا همين حد ميرسيدي. بايد واقع بين بود. مساله اين است که هنوز اين پايان کار نيست. اگر ميتوانستيم آن ۶ نفر کارگر بر سر کار بر گردانيم، دور بعدي اخراج کارگران را براي کارفرما خيلي مشکلتير ميکرد. اعتصاب موفقتر بود، بعلاوه اجرائي تعهدات کارفرما هم تضمين شده نيست. ايا واقعا ۳ ماه پول بازخريد را براي هر سال سنوات خدمت به کارگران اخراجي پرداخت ميکنند؟ ايا دستمزد ۱۶ روز

اعتصاب کارگران را ميدهند؟ هنوز که دستمزد ۲ روز اعتصاب قبلي را نداده اند... ما در شادي و پيروي هم شريکيم و صميمانه نيست که در نگرانيهاي همديگر شريک نباشيم و اين يک هشدار هم هست.

راديو پرتو: معني اين هشدار و نگراني براي کارگراني که بر سر کار برگشته اند چيست؟ مظفر محمدي: موفقيت کارگران بر اساس نقاط قوت آنها بدست آمده که بايد حفظ شان کرد. بايد تشکل و همبستگيشان را حفظ کنند. دسيسه کارفرما با اين تمام نميشود. نقشه اينها بستن کارخانه است. کارگران بايد نقطه قدرتشان که اتحاد درونيشان است را حفظ کنند. حتي اگر هيچ مساله اي هم نباشد هر ۱۵ روز يک بار بنشينند و وضع خود را بررسي کنند و سراغ همين تعهدات کارفرما را بگيرند درمجامع عموميشان، سراغ مديريت بروند و بگويند حقوق ماه قبل چه شد. دستمزد روزهاي اعتصابمان را بدهيد، مساله ايمني محيط کار چه ميشود و غيره و بايد از کارفرما و مديريت بخواهند که تعهداتشان را اجرا کنند. و اين با اتکا به همان نقاط قوت امکان پذير است. به کارفرما و دولت نميتوان اعتماد کرد آنها ميخواهند وقت بخرند و بحران را از سر بگذرانند و کارگران هم اين را ميدانند. اين اساس نگراني همه ما ميتواند باشد. بايد دستاورد اين اعتصاب را تضمين کنيم.

راديو پرتو: شما در نوشته ها و صحبتهايتان از "ما" سخن ميگويد. در جمعيدي که تحت عنوان دستاوردهاي اعتصاب نوشيد گفتي، ضعفهاي ما، با توجه به شرايط موجود کارگران و چشم انداز آينده چه توقع و انتظاري را مد نظر داريد؟

مظفر محمدي: قبلا هم گفتم که لغو قرار داد موقت کار، يک امر سراسري کارگران است. و اين حمايت وسيع و آمادگي وسيع ميخواهد. اين هشداري است به کارگران راديکال و سوسياليست در جنبش کارگري ايران که نبايد اين فرصتها را از دست داد. از دست دادن يک فرصت يک ضعف است و ما در رابطه با کل طبقه کارگر ايران يک فرصت را از دست داديم. حدود ۵۰۰ کارگر بيش از دو هفته در گوشه اي از اين مملکت اعتصاب کرده اند و تشکل دارند و نماينده دارند، در مقابل تهديدات مياستند، با فقر و گرسنگي دست و پنجه نرم ميکنند، بايد کاري کرد.

مسئله ديگر هم اين است که در خود شهر سندانج کارهاي زيادي ميشد کرد. براي مثال يک آشپزخانه مردمی که هر روز غذای گرم و سرد برای کارگران ميفرستاد با دست خود مردم و با خانواده های کارگران و از طرف مغازه دارها، دانشجوها، مردم محله و غيره، تصورش را بکنيد که چه حرکت عظيمی بود. اگر پليس جلو اين حرکت انساندوستانه را ميگرفت

جواب خوبی از همين مردم ميگرفت و آبرويشان ميرفت... اين پای خانواده کارگران را هم به ميدان ميکشيد.

در خارج کشور هم همينطور است. چيزي شبیه نامه فدراسيون اتحاديه های کارگري نفت و معادن و انرژي نروژ ميتوانست زياد باشد. وقتي نماينده بيش از ۴ ميليون کارگر انرژي در اروپا به خاتمي مينويسد که حمله شما به کارگران ايران حمله به کارگران و حقوق بشر در سراسر جهان است، چه همبستگي با شکوهي است!

همه اينها نيازمند کار بيشتري است. و اين کار کل طبقه کارگر ايران، کارگران چپ و راديکال و سوسياليست و دانشجويان و مدافعان حقوق زن و کودک است. روی حرف من به همه اينها و از جمله به حزب و همه حکمتيستهاي داخل و خارج کشور و آنهايي که در اين مدت نبضشان با نبض کارگران ميزد، است. ما از اين کارها در آينده به وفور خواهيم داشت. جبران اين نقاط ضعف ما را کمک ميکنند تا دستاوردهاي خيلي بيشتري داشته باشيم.

راديو پرتو: شما که در اين مدت درگير مسائل اعتصاب بوديد و همراه آن، احساس خودتان در اين مورد چيست؟

مظفر محمدي: راستش من احساس دوگانه اي دارم. در طول همه اين مدت آرزو

میکردم که اعتصاب حتی یک روز زودتر، یک ساعت زودتر پایان یابد. اعتصاب کار سخت و دردناکی است. صرفاً مسئله تعطیلی کار یا ضرر زدن به کارفرما نیست. کارگر در این مصاف اذیت میشود، فرسوده میشود، خسته میگردد، تهدید میشود، خانواده اش نگران میشود، سرما و گرما میچشد، و مهمتر از همه گرسنگی میکشد. تمام شدن اعتصاب و دستاوردهای نسبی آن طبعاً برای من خوشحال کننده است. اما در همان حال نمیتوان این نگرانی را پنهان کرد که چه تضمینی وجود دارد؟

کارگران زور خود را زدند. کارفرما و مدیریت هم با خشونت و بی رحمی و ردالتشان کماکان در کمین اند. شمشیر اخراج بر بالای سر کارگران است. مسئله تفرقه اندازی وجود دارد. فقر و گرسنگی ادامه دارد. مسئله من اینست که برای همين اندازه تعهدات برای انجام خواستههای کارگران چه تضمینی وجود دارد تا اين احساس خوشايند در گلوبان تلخ نشود.

اميدوارم با اتحاد و پايداري کارگران، حفظ تشکلهای پست گيري نمايندگانشان اين نگرانيها حد اقل در اين زمينه و تا جايي که به کارگران نساجي و اعتصابشان مربوط است برطرف شود. آنوقت همه نفس راحتی ميکشيم.

این فقط مربوط به خود چهره ها، و حتی الزاماً مستقیماً مربوط به مواضع سیاسی این افراد، نیست. مردم در این چهره ها و با این چهره ها دارند عرصه معینی از مبارزه شان را با رژیم پیش میبرند. و از همین قدرت بسیج بیشتري را برای مردم فراهم میآورد. تهدید و ارعاب و تمهیدات رژیم خریدار هر چه کمتری پیدا کرده است. کبری رحمان پور، لیلا مافی و ژیلایا برای رژیم فاحشه و قاتل و زناکارند. اما برای مردم هر مورد از اینها شاخص تازه تری علیه فقر، علیه زن آزاری، علیه مذهب،

میکگیرند، ولی ماجرا به همین جا ختم نمیشود.

جلوه مهم اعتراضات در این است که از چهره های علنی برخوردارند. مردم در اعتراض خود این چهره ها را پاس میدارند و تازه در صورت دستگیری بیرون آوردن این چهره ها عرصه های تازه تری را در مقابل رژیم باز میکنند. در هر مورد جمهوری اسلامی مبینند که چگونه دست درازی به این اعتراضات بمراتب دشوارتر است. و هر بار تجربه میکنند که روشهای معمول او در زهر چشم گرفتن از مردم چقدر با ریسک بیشتري برای موج تازه تری از

خطاب به خانواده هایشان انواع اتهامات از نوع ملایم تر و تا جاسوسی برای بیگانگان، در رابطه با آنها مزمه شد. و بلاخره در برآیند همه سبک سنگین کردند "قرعه" زندان و شلاق به بینا داراب زند اصابت کرد.

این سناریو، هم اعتراض علیه رژیم و هم "متهمین" و هم این پا و آن پا کردن جمهوری اسلامی در مقابل آنها، بوفور در سیمای سیاسی امروز ایران قابل مشاهده است. مردم در عرصه های مختلف پا پیش میگذارند، عرصه های تازه تری از اعتراض را آزمایش میکنند، مورد تعرض قرار

از صفحه ۱

در حمايت از اين زندانيان اشکال اعتراضی مختلفی را در پیش گرفتند. علاوه بر تهدیدات مستقیم رژیم، در ۲۷ مردادماه اجتماع در مقابل سازمان ملل صورت پذیرفت. خود اجتماع را رژیم با گسیل حزب الله و ماموران امنیتی در مدت زمان کوتاهی با حملات سبعانه و دستگیریها از هم پاشید. اما پروسه دادگاهی و مجازات رسمی دستگیر شدگان ماهها به طول انجامید. بارها و بارها پرونده "متهمین" روی میز دادگاههای رنگارنگ قرار گرفت، در رسانه ها و

تعداد از چهره های شناخته شده علنی وجود نداشته اند. و در این تاریخ هیچگاه این مردم بدینگونه از دست باز برای بسیج افکار عمومی و ارگانهای انساندوست و مترقی در سراسر جهان برخوردار نبوده است. بخاطر میاورید چند حکم اعدام و سنگسار و زندان و شلاق در یکقدمی اجرا متوقف مانده اند؟ قانون و شرع و مجازات و زندانهای جمهوری اسلامی بجای خود باقیست. بازجوهایشان کماکان حقوق خود را دریافت

علیه اعدام و علیه سنگسار تبدیل میشوند. در ایران امروز سبیل های آزادی تشکل، آزادی اعتصاب، برای برابری زن و مرد، برای آزادی بیان بوفور یافت میشوند. مردم سبیل هایشان را ارج میگذارند. سلامتی و سرنوشتشان را جوینا هستند. و همین زاویه تازه تری را برای اعتراضاتشان علیه رژیم و برای آمال خود بوجود آورده است.

در تاریخ سیاسی ایران بعد از قیام هیچگاه این

اسلامی در مقابل آن قرار میدهد. نباید به جمهوری سرکوب و اسلام در ایران امان داد. دست تعرض آنرا باید بسرعت کوتاه کرد. هر تک نفر و هر تک مورد از این تعرض را باید تا نجات کامل قربانیانش به کارزار تازه تری علیه خود رژیم تبدیل ساخت. جمهوری اسلامی برای بینا دارب زند به ۵ ماه وقت و مزمزه کردن مقاصد خود نیاز داشت. این مقاصد و قانون دست درازی را میتوان بر سر آنها خراب کرد. باید



## توجه!

### کمونیست جمعه ها در چهار صفحه منتشر میشود!

### کمونیست را وسیعا تکثیر و پخش کنید!



### برنامه تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست

این برنامه ها هر دوشنبه ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران - ۸/۳۰ تا ۹/۳۰ ظهر به وقت اروپای مرکزی و ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ به وقت غرب آمریکا - از کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود.

مصاحبه با محمود قزوینی

فکری خود در سطح وسیع دارند میتوانند ایران تریبون را از آن خود بدانند. از همینجا از فرصت استفاده میکنم و از همه خوانندگان نشریه کمونیست میخواهم که برای ایران تریبون تریبون سایت باشد. کدام جنبش اجتماعی در ایران قوی تر و گسترده تر از جنبش ضد اسلامی است؟ سایت ما یک مرکز ضد اسلامی خواهد شد که هر کسی که از اسلام و دین متنفر است و ضربه خورده است میتواند روی ایران تریبون برای بیان حرفهای حساب باز کند. فکر میکنم کلا کسانی که حرفی برای گفتن دارند، بخصوص انسانهای رادیکال و سوسیالیست و ضد اسلام که کمتر جایی برای انعکاس محصولات

سایت ما از نظر بیننده میتواند پربیننده ترین سایت شود. هدف ما این است و معیار موفقیت ما هم این است. رفیق عزیزمان یوسف رسولی از نظر فنی سایتمان را به یکی از با کیفیت ترین سایتهای فارسی زبان تبدیل کرده است. تجربه رفیق عزیزمان صلاح ایراندوست را هم داریم. شرایط خوبی برای ارائه یک محصول تازه و خوب به مردم داریم. با تشکر از اینکه این فرصت را به من دادید.

## مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!